



سعید رسولی: در راستای سیاست‌های کلی توسعه:

به دنبال ظرفیت‌سازی تجاری دریایی و بندری هستیم

سید گزارش می‌دهد:

قطار مسافری

ایران و افغانستان

پشت سد موانع مرزی

@Eghtesadsaramad

eghtesadsaramad

www.Eghtesadsaramad.ir

دوشنبه-۳۱ شهریور ۱۴۰۴-سال یازدهم- شماره ۲۳۰۴- قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

سید گزارش می‌دهد:

حیات بنادر ایران در تنگنای ماشه و تحریم

نشانه‌های ادامه تاب آوری اقتصاد بنادر ایران در مقابل تحریم‌ها



ریشه شکاف علم و اجرا در توسعه اقتصاد دریا

نهادهای عملی و دستگاه‌های اجرایی چه نقشی در اقتصاد آبی ایران دارند؟

مقاله

توسیم راهبردهای

نیروی دریایی در سایه

تجربیات دوران دفاع مقدس

ناخدا یکم عباس گوزین

یادداشت

اصل ۴۴ سپر

مکانیسم ماشه



ایرج گلشنی - مکانیسم ماشه فعال شد؛ هر چند که ضعیف‌تر از دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵، اما به هر ترتیب، جنگ اقتصادی جدیدی آغاز شده است. این جنگ، فقط و فقط سفره مردم را هدف قرار

داده است تا شعب ابیطالب دیگری شکل بگیرد و در نهایت، ایرانیان گرسنه به آرمان‌ها و اعتقادات خود حمله کنند و بدین ترتیب، اروپا و آمریکا به اهداف خود برسند. هر چند که رسیدن به هدف غیرانسانی با این ترفند به ظاهر سیاسی و البته حیوانی، غیرممکن به نظر می‌رسد و مردم همچنان پای غرور و وطن خود می‌ایستند و گر سنگی با شرافت را مانند غزه به شکم سیری حقیرانه‌ای مانند قطر ترجیح می‌دهند، اما تلاش برای برهم زدن اردوگاه دشمن و نقش برآب کردن نقشه آن‌ها، کاری است که به عنوان یک وظیفه ملی باید انجام شود. این کار بزرگ چیست؟ چه عاملی می‌تواند تحریم را خنثی کرده و این حربه دشمن را برای همیشه ناکار کند؟ ماشه جدید با ماشه قبلی تفاوت زیادی دارد. مهم‌ترین تفاوت این است که در دوره گذشته تحریم بین‌المللی، ایران با اجماع قاطع بین‌الملل مواجه بود؛ اما این بار، کشورهای زیادی هستند که تحریم را قبول ندارند. یعنی اجماعی دیگر در کار نیست و همین باعث شده که ماشه جدید، شکاف برداشته و آنگونه که تصور می‌کنند، عمل نکند. علاوه بر کشورهای مخالف تحریم که فضای تحریم را از شکل شعب ابیطالب به محاصره نیم‌بند اقتصادی تبدیل می‌کند، سازوکارهایی مانند بریکس به خنثی شدن مکانیسم ماشه کمک خواهند کرد.

همچنین بعد از جنگ ۲ روزه و به دلیل طولانی شدن حادثه تلخ غزه، بسیاری از کشورها- حتی کشورهای اروپایی مانند اسپانیا- تا حدی مسیر خود را از غرب جدا کرده‌اند. مخالفت علنی با اسرائیل که به مثابه مخالفت با تمام جریان‌های همراه...

صفحه ۴

یک تحلیلگر هندی تاکید کرد:

بندر چابهار را به هر قیمتی باید حفظ کنیم

هند با ترکیب اقدامات قانونی، نهادی و فناوری، می‌تواند یک چارچوب چندلایه در برابر تحریم های آمریکا ایجاد و قابلیت عملیاتی و ارزش اقتصادی چابهار را حفظ کند. یک تحلیلگر هندی می‌گوید کشورش باید از سرمایه‌گذاری راهبردی در بندر چابهار ایران عقب‌نشینی کند و به رغم تحریم‌های آمریکا، با ایجاد سازوکارهای مصون از تحریم، حضور خود را در این بندر راهبردی واقع در شمال اقیانوس هند، تثبیت کند.

به گزارش اقتصادسرامد، توماس بابیجان روزنامه‌نگار و تحلیلگر تجاری هند، با اشاره به لغو معافیت‌های تحریمی بندر چابهار از سوی ترامپ، با اشاره به اهمیت این بندر در توازن سازی راهبردی هند در برابر راه‌گذرهای تحت نظر چین، نوشت: این بندر نه تنها مجرای برای کالاها، بلکه برای عاملیت سیاسی نیز هست و کشورهای منطقه را قادر می‌سازد بدون عبور از موانع تحمیلی ایالات متحده، با هند و ایران تعامل داشته باشند. از نظر اقتصادی، این بندر نمایانگر یک مدل بالقوه برای راه‌گذرهای تجاری مقاوم در برابر تحریم در جهانی است که در آن هژمونی مالی به عنوان سلاح استفاده می‌شود. تحریم‌های ایالات متحده همچنین محدودیت‌های کنترل اقتصادی هژمونیک را آشکار می‌کند. واشنگتن با هدف قرار دادن چابهار، اعتبار خود را به عنوان یک شریک تضعیف می‌کند و در عین حال دست چین را که همچنان به گسترش بندر گوادر و شبکه دریایی معروف به رشته مروراید ادامه می‌دهد، تقویت می‌کند. برای هند، این عدم تقارن به معنای لزوم ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی مستقل و سازوکارهای مالی است که قادر به حفظ پروژه‌ها صرف نظر از اجبار خارجی باشند. نوآوری حقوقی و نهادی در این زمینه بسیار مهم است. هند می‌تواند قوانین داخلی مشابه قانون انسداد اتحادیه اروپا را تصویب کند و از شرکت‌های داخلی در برابر تحریم‌های فراسرزمینی محافظت کند. توافق‌های دو جانبه با ایران، روسیه و شرکای آسیای مرکزی می‌تواند کانال‌های تجاری غیردلاری را رسمی کند، در حالی که یک کارگروه دولتی اختصاصی می‌تواند راهنمایی‌هایی در مورد انطباق قانونی و کاهش ریسک تحریم‌ها ارائه دهد. هند با ترکیب اقدامات قانونی، نهادی و فناوری، می‌تواند یک چارچوب چندلایه ایجاد کند که قابلیت عملیاتی و ارزش اقتصادی چابهار را حفظ کند. خطرات واقعی هستند: واکنش شدید ایالات متحده می‌تواند در تحریم‌های نمادین، فشار سیاسی یا اصطکاک تجاری آشکار شود. هزینه‌های اقتصادی قابل توجه است، زیرا ایجاد بانک‌ها، شرکت‌های دولتی و زیرساخت‌های دیجیتال مستلزم میلیاردها سرمایه‌گذاری اولیه است. با این حال، گزینه جایگزین، یعنی واگذاری اختیار استراتژیک و واگذاری نفوذ به چین، بسیار مهم‌تر است. توازن خطرات به وضوح به نفع نهادهای ساز پیشرانه سازوکارهای مقاوم در برابر تحریم است.

در واقع، چابهار به آزمون برای ظرفیت هند برای پیمایش تقاطع اقتصاد و ژئوپلیتیک در یک سیستم جهانی اجباری تبدیل می‌شود. این امر دهلی‌نورا را مجبور می‌کند تا الزامات تجاری را با استراتژی مستقل، توانایی فناوری را با طراحی نهادی و احتیاط دیپلماتیک را با استقلال قاطع تطبیق دهد. موفقیت در اینجا نه تنها تجارت و سرمایه‌گذاری را حفظ می‌کند، بلکه هند را به الگویی برای سایر کشورهای که با فشارهای فراسرزمینی مواجه هستند تبدیل می‌کند و نشان می‌دهد که می‌توان از طریق دوراندیشی، نوآوری و برنامه‌ریزی استراتژیک، فشار اقتصادی را کاهش داد.



جنوب ایالات متحده قرار داده است. در این چارچوب، تثبیت حضور روسیه در این قاره از طریق پایگاه‌های جدید، باند‌های فرودگاهی و سرمایه‌گذاری‌های نوسازی، ستون فقرات استراتژی مسکو برای تقویت نفوذ مشروط در قطب جنوب از طریق ظرفیت علمی و دسترسی لجستیکی را تشکیل می‌دهد.

در بُعد منابع، ادعاهایی مبنی بر اینکه روسیه یک میدان نفتی بزرگ در اطراف قطب جنوب کشف کرده، نشان می‌دهد که رقابت بر سر آینده این قاره احتمالاً تشدید شود. چنین ادعاهایی، مسئله دسترسی به ذخایر انرژی بکر را از سیاست علمی به یک پرونده ژئوپلیتیکی مستقیم تغییر می‌دهد. در چنین سناریویی، ایالات متحده باید به همراه بریتانیا و استرالیا، مأموریت‌های تحقیقاتی بیشتری راه‌اندازی، زیرساخت‌ها را تقویت و سیستم‌های نظارت و بازرسی پیشرفته‌ای ایجاد کنند. در همین حال، برای مسکو، نوسازی شبکه پایگاه‌های خود و تحکیم زنجیره لجستیک‌اش یک رویکرد موازی را نشان می‌دهد. در نهایت، اگرچه قطب جنوب بیش از ۵۰ سال جایگاه خود را به عنوان قلمرویی برای صلح و علم حفظ کرده است، اما وارد مرحله جدیدی شده که در آن خروجی علمی و دسترسی لجستیکی به شاخص‌های اصلی نفوذ ژئوپلیتیکی تبدیل شده‌اند.

میدان رقابت قدرت‌های بزرگ

رقابت قدرت جهانی‌های دیگر صرفاً به عرصه‌های ژئوپلیتیکی سستی محدود نمی‌شود؛ در کنار مناطق درگیری در آسیا-اقیانوسیه، خاورمیانه یا اروپا، مناطق قطبی نیز به عنوان صحنه‌های جدید تنش در سیاست بین‌الملل ظهور کرده‌اند. در دوران جو بایدن، اولویت‌های سیاست خارجی ایالات متحده حول آسیا-اقیانوسیه شکل گرفته بود و هدف آن مهار روسیه در این منطقه بود. با این حال، با روی کار آمدن دولت دونالد ترامپ، اولویت‌های راهبردی واشنگتن تا حدودی تغییر کرد. در حالی که تلاش‌هایی برای ایجاد روابط متعادل‌تر با مسکو انجام می‌شد، تعامل ایالات متحده در آسیا-اقیانوسیه نسبتاً از اولویت خارج و توجه به قطب جنوب معطوف شد.

این تغییر نشان می‌دهد که واشنگتن نه تنها در اقیانوس آرام، بلکه در قطب جنوب نیز به دنبال ایجاد تعادل در رقبای خود بوده و این امر نشان می‌دهد که رقابت جهانی جبهه راهبردی جدیدی را در امتداد محور قطب شمال-قطب جنوب به دست آورده است. در نتیجه، رقابت جهانی قدرت فراتر از مناطق سنتی گسترش یافته و مناطق قطبی را در مرکز سیاست بین‌الملل قرار داده است.

تلاش‌های روسیه برای تقویت شبکه‌های لجستیکی و انرژی در قطب شمال و افزایش حضور استراتژیک خود در قطب جنوب از طریق پایگاه‌ها و تولیدات علمی، این مناطق را به اجزای جدایی‌ناپذیر محاسبات جهانی مسکو تبدیل کرده است. در حالی که ظرفیت لجستیکی ضعیف ایالات متحده و وقفه در برنامه‌های علمی، نفوذ واشنگتن در این قاره را کاهش می‌دهد، بازیگرانی مانند استرالیا و کشورهای آمریکای لاتین در تلاشند تا این شکاف‌ها را تا حد محدودی جبران کنند.

سید بررسی می‌کند:

شطرنج یخی مسکو در شمالگان و جنوبگان

افزایش رقابت لجستیکی جهان در میدان قطب‌های شمال و جنوب



مسیر تجاری از سن پترزبورگ تا ولادی وستوک و از مورمانسک - آرخانگلسک تا مسیر دریای شمال پیش‌بینی شده، منعکس‌کننده دیدگاه جهانی مسکو است. این مسیر نه تنها ایجاد مسیرهای تجاری کوتاه‌تر و امن‌تر را هدف قرار می‌دهد، بلکه قصد دارد چهره اقتصادی و فرهنگی ولادی وستوک را نیز متحول کند. افزایش سرمایه‌گذاری‌ها از سال ۲۰۱۵ بالاتر از میانگین ملی، پویایی منطقه را نشان می‌دهد. اقدامات جدید اعلام‌شده در ۴ سپتامبر ۲۰۲۵ به تحول چندبعدی در راهبرد دریایی روسیه اشاره دارد.

پروژه‌هایی با هدف ایجاد مراکز لجستیک چندوجهی و تضمین مدیریت شفاف و کارآمد بنادر از طریق دیجیتالی‌شدن انجام می‌شود. طرح‌هایی برای نیروگاه‌های هسته‌ای شناور که در شمال خاباروفسک پیشنهاد شده‌اند، با هدف افزایش امنیت انرژی در نظر گرفته شده‌اند. در مقابل، تلفات بار و تحریم‌ها در حوزه‌های دریای بالتیک و قطب شمال، نقاط انسدادی را در مسیرهای تجاری مسکو ایجاد می‌کنند. همچنین جست‌وجوی بازارهای جایگزین در پاسخ به تحریم‌های شیلات نروژ به بخشی از استراتژی انعطاف‌پذیری روسیه تبدیل شده است.

افزایش حضور در قطب جنوب

آینده قطب جنوب به‌تنها با حفاظت از محیط زیست و همکاری علمی، بلکه با نحوه مدیریت منافع ژئوپلیتیکی و اقتصادی رو به افزایش نیز شکل خواهد گرفت. در این راستا، پروتکل ATS چارچوب تعیین‌کننده را مشخص می‌کند: این پروتکل که در سال ۱۹۵۹ امضا شد و اکنون ۵۴ کشور عضو را بر می‌گیرد، این قاره را برای اهداف صلح‌آمیز و علمی اختصاص داده، فعالیت‌های نظامی را ممنوع کرده، ادعاهای ارضی را به حالت تعلیق درآورده و با مسدود کردن اختلافات حاکمیتی، بیش از ۶ دهه ثبات ایجاد کرده است.

پروتکل حفاظت از محیط زیست ۱۹۹۱ با ممنوعیت بهره‌برداری از منابع معدنی حداقل تا سال ۲۰۴۸، حفظ محیط زیست را بر سود اقتصادی اولویت داد. نزدیکی جغرافیایی و ادعاهای ارضی تاریخی آرژانتین و شیلی، آمریکای لاتین را در هسته سیاست‌های قطب

گروه بین‌الملل - رضا رضایی - پارامترهای رقابت در سیاست جهانی دیگر صرفاً به حوزه‌های تسلط زمینی و دریایی محدود نمی‌شوند؛ با تأثیرات تغییرات اقلیمی، ظهور مسیرهای حمل و نقل جدید و تنوع منابع انرژی، مناطق قطبی به نقاط کانونی جدید مبارزه بین قدرت‌های بزرگ تبدیل شده‌اند. به‌ویژه در دوران پس از جنگ سرد، قطب شمال اکنون از نظر ژئوپلیتیک انرژی و استحکامات نظامی-سیاسی به یک جبهه راهبردی تبدیل شده است.

به گزارش اقتصادسرامد، به‌طور مشابه، قطب جنوب باوجود محدودیت‌های اعمال‌شده توسط سیستم پیمان قطب جنوب، به منطقه‌ای تبدیل شده که بازتاب توازن قدرت است. در این معادله جدید، نقش روسیه یکی از عوامل اساسی شکل‌دهنده آینده مناطق قطبی است. مسکو هم قصد دارد تحریم‌های غرب را دور بزند و هم راهبرد «چرخش به شرق» خود را از طریق توسعه پروژه‌های لجستیکی فراقطبی، ادغام مسیر دریای شمال و تلاش برای تنوع‌بخشی به مسیرهای انرژی در قطب شمال تثبیت کند.

در قطب جنوب، روسیه حضور خود را از طریق پایگاه‌های جدید، باند فرودگاه‌ها و نوسازی ایستگاه‌ها گسترش داده و ظرفیت علمی را به ابزاری برای نفوذ ژئوپلیتیکی تبدیل کرده است. کاهش اثربخشی عملیاتی ایالات متحده در این زمینه به دلیل کمبود ظرفیت و وقفه در برنامه‌ها، فضای مانور وسیع‌تری را برای مسکو در سیاست‌های قطبی ایجاد می‌کند.

چرخش به شرق

اظهارات ولادیسلاو ماسلنیکوف، یکی از مقامات وزارت امور خارجه روسیه، در مجمع اقتصادی شرق، به پیامدهای جهانی رقابت فزاینده ژئوپلیتیکی در قطب شمال اشاره دارد. افزایش حضور نظامی با محوریت سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، در کنار سیاست‌های تحریم و تقویت نظامی غرب با هدف محدود کردن مسکو، نه تنها منافع روسیه را تضعیف کرده، بلکه به پروژه‌های علمی، ابتکارات حفاظت از محیط زیست و پیوندهای اقتصادی نیز آسیب رسانده است. بنابراین، تصور دیرینه از قطب شمال به عنوان منطقه همکاری با تبدیل آن به یک جبهه راهبردی جدید جایگزین شده است.

مشکلات لجستیکی مسکو که الکی چگونکوف، وزیر توسعه خاور دور و قطب شمال روسیه، تأکید کرده است، ناشی از ناتوانی زیرساخت‌های حمل و نقل ریلی و زمینی برای مدیریت نزدیک به ۴۰۰ میلیون تن ظرفیت در بنادر آن است. این «تنگناها» صادرات انرژی و مواد خام روسیه را محدود کرده و دسترسی آن را به بازارهای آسیا و اقیانوسیه تضعیف می‌کند. در نتیجه، ادغام مسیر دریای شمال، بنادر خاور دور و کریدور چندضلعی شرقی به عنوان یک ستون فقرات لجستیکی بلندمدت تبدیل شده که بخش اروپایی روسیه، کوه‌های اورال و سیبری را به اقیانوس آرام متصل می‌کند. به این ترتیب، مسکو در پاسخ به تحریم‌های غرب به دنبال تقویت پایه‌های زیرساختی استراتژی «چرخش به شرق» خود است.

کریدور ترانس-قطب شمال

پروژه «کریدور ترانزیتی ترانس-قطب شمال» که به عنوان یک